

# جایگاه مجلس در نظام اسلامی



قسمت بیست و یکم

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

تمامی قوا معرفی شده و نمایندگان مجلس بعنوان عصاره های فضائل ملت و بالاخره این نهاد مقدس، فراهم آمده الله اکبرهای مردم شناخته شده است.

اهمیت و نقش مجلس و جایگاه رفیع آن بر کسی پنهان و پوشیده نیست لااقل در تئوری همه این مطالب را به زبان می آورند و در شعار و لفظ روی آن تأکید و اصرار می ورزند ولیکن حضرت امام (س) در تمام دوران انقلاب و مواقع مختلف و در مناسبتهای گوناگون تلاش کردند تا این موضوع جا افتاده و ملت قهرمان بصورت ملموس و عینی و واقعی به این امر واقف شده و با تمام وجود به اهمیت و نقش مجلس در سرنوشت مینهن اسلامی اذعان نمایند و لذا از این فرصت استفاده کرده و از نروایی گوناگون با توجه به مطالب متنوع حضرت امام (س) درباره مجلس شورای اسلامی مسئله را تعقیب می نمایم و ابتداء از سخن ایشان در وصیتنامه سیاسی الهی شروع می کنیم:

«... از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما باید بدانیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از اهریمن بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد و چه مصیبت ها و خسارهای جان فرسا از این جنایتکاران بی ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک اکثریت فلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند با دست همین منحرفان از خدایی خیر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه هیچگاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد. قبل از رضاخان با تصدی غرب زدگان و مشتی خان و زمین خواران و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن».

ملاحظه می نمایم که چگونه در باره تعهد نمایندگان مردم با سوز و گداز سخن بمیان آمده و نقش مجلس شورا، هم در بعد اثباتی و

## نهادهای نظام و مسئولیتهای آنها

این طیبیب حاذق و دلسوز (حضرت امام قدس سره) پس از آنکه عوامل خطر را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند و اامت اسلام را در این عصر و عصرهای آتیه به خطرات آنها گوشزد نمودند و راه و شیوه برخورد با آنها را ارائه فرمودند و این تجربه موفق و روشن را در اختیار انقلابیون عالم گذاشتند وارد مرحله دیگری شدند و از بعد دیگری موضوع را مورد بررسی قرار دادند و آن اینکه چون انقلاب اسلامی بصورت یک نظام و سیستم قابل دفاع درآمده است و می تواند از تمامی انقلابات مردمی و ارزشی الهی جهان دفاع و حمایت نموده و بعنوان الگو برای آنها مطرح گردد و پشتوانه قوی و محکمی برای همه حرکت های مردمی بحساب آید و سلامت و صلابت و حالت انقلابی داشتن آن تضمین کننده انقلابهای جهان بوده و خدای ناخواسته و نا کرده کجی و انحراف آن موجب انحرافات فراوانی در انقلابات عالم خواهد بود.

حضرت امام (س) نهادها و ارگانهائی نظام را که بصورت عناصر سازنده و تشکیل دهنده آن می باشند با توجه به حساسیت و جایگاه و نقشی که آنها دارند و یا می توانند داشته باشند مورد دقت و مطالعه قرار داده و توصیه های لازم و ضروری را برای سلامت هر کدام از آنها فرموده اند و بصورت یک کارشناس ماهر و امین و دلسوز، هم اوامر سلامت و صلابت آنها را دقیق بیان فرمودند و هم زمینه های انحراف و تباهی آنها را تبیین نموده اند مشروط بر این که با دقت مورد مطالعه قرار گیرد و بمرحله اجرا درآید.

اولین ارگان و نهادی که در این بخش مورد عنایت مقام ولایت و امامت اسلام قرار گرفته و با حساسیت موضوعات و مسائل مربوط به آن دنبال شده است مجلس شورای اسلامی است و این نوع برخورد حضرت امام (س) با مجلس بی سابقه نبوده و بصورت مکرر از ناحیه ایشان مجلس بعنوان مرکز همه قانونها و قدرتها و تمام تصمیم گیریها و در رأس



اول در باره کلام و سخنان حضرت امام (س) و بخش دوم درباره اصول قانون اساسی:

**بخش یک سخنان حضرت امام (س)**

«شما که وکیل از جانب ملت هستید و عصاره فضائل ملت هستید، باید در آنجا همان معنائی که از طرف ملت مأمور اوشدید، همان معانی باشید».

(کلام امام - دفتر هفتم - ص ۵۲)

«مرکز همه قانونها و قدرتها مجلس است، مجلس هدایت می کند همه را و باید بکند».

(همان مصدر - ص ۵۴)

«مجلس مقدس شورای اسلامی که اولین مجلس جمهوری اسلامی است و اولین مجلس است که با انتخابات آزاد انجام گرفت گشایش می یابد و من امیدوارم که این مجلس به برکت این روز مبارک مجلس عدالت و پیرو اسلام و نفع مسلمین و کشور اسلامی باشد».

(همان مصدر - ص ۵۷)

«انشاء الله وقتی که مجلس به کار افتاد مسائلی در مجلس برود و از مجلس سایر جاها الهام بگیرد و قوای انتظامی اجرا بکند تا انشاء الله همه مسائل حل بشود».

(همان مصدر - ص ۶۰)

«باید مجلس قاطع باشد. اگر در مجلس اشخاصی هستند که آنها باز همان طبل را می زنند به اینها نباید گوش بدهد. باید این مجلس یک مجلسی باشد که با قاطعیت عمل کند. و دولت اگر که یک قدمی کنار بگذارد یا قاطعیت گنارش بگذارند و با قاطعیت بخواهند رذش کند... مجلس امروز رسمیت پیدا کرده است با رسمیت مجلس حالا باید تمام امور را اصلاح بکند».

(همان مصدر - ص ۶۲)

«مجلس باید به تمام قوه ای که دارد قوه و از تمام قوه ها بالا تر است و بر تمام مسلمین واجب است که پشتیبانی کند از دولت و از ملت و از مجلس».

(همان مصدر - ص ۶۵)

«مجلس را که در رأس همه امور است تقویت کنید و دنبال این باشید که یک مجلس قوی قانونگذاری داشته باشیم تا بتوانند مملکت را به راه راست ببرند».

(همان مصدر - ص ۷۳)

«و من تکرار می کنم مجلس بالاترین مقامی است در این مملکت، مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن رأی را پذیرفت، هیچ کس حق

هم در بعد سلبی و تخریبی بیان شده است و تاریخ ۵۰ ساله پارلمان از بعد مشروطه تا انقلاب اسلامی مورد ارزیابی واقع شده و تبیین شده است که چگونه و چطور مجلس در خدمت اربابان غربی و شرقی قرار گرفته و راه نفوذ استعمارگران و استثمارگران را هموار ساخته است و قانون اساسی و متمم آن که محصول تلاش و مجاهدتهای علما و مجتهدان بزرگ و مقام و مبارز بود چگونه دستخوش بی مهری ها و بی اعتنائی ها و در نتیجه مغفول عنه و کنار گذاشته شدن و بی اعتبار بودن از طرف دستگاه حاکمه قرار گرفته و عملاً به هیچکدام از مواد آن عمل نشده است و بالاخره در میدان عمل مجلسهای گذشته بجای آنکه در خدمت مردم مسلمان ایران اسلامی باشد در خدمت زورمداران و غارتگران شرقی و غربی قرار گرفته و بجای دفاع از حقوق مردم از منافع اربابان غارتگر دفاع می کرده است. آری مجلس و پارلمان در یک نظام پارلمانی همیشه و در تمام ابعاد نقش محوری و تعیین کننده را داشته و خواهد داشت زیرا که سیاستگذاری و هدایت کلی و عام در بعد قانونگذاری و سازماندهی و بودجه بندی کلان در عهده پارلمان بوده و سخن اول و آخر آن می زند و فصل الخطاب در تمام زمینه های فوق با پارلمان و مجلس است.

حالا برای اینکه موضوع بیشتر شکافته شود و از ابعاد مختلف مجلس و نقش آن مورد تحلیل قرار گیرد مناسب و ضروری بنظر می رسد زوایای مختلف مسئله مورد توجه قرار گرفته و با ملاحظه منابع مختلف آن را مورد بررسی و بحث قرار دهیم:

**الف: جایگاه مجلس شورای اسلامی**

علاوه بر اینکه در هر نظام پارلمانی مجلس از اهمیت بالا و والائی برخوردار بوده و دارای جایگاه رفیعی می باشد در نظام اسلامی ما که می خواهد انقلاب اسلامی را در داخل بصورت یک نظام و حکومت حقه و عادلانه ارائه نموده و مصالح اجتماعی را تأمین نماید و در خارج بعنوان یک الگو مطرح گردیده و آزادی خواهان عالم را برای تبعیت و پیروی از آن دعوت نماید طبعاً دارای حساسیت بالائی بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد شد.

و لذا در سخنان امام انقلاب و بنیانگذار نظام و در قانون اساسی آن نوع ترمیمی که از این نهاد عظیم الهی مردمی و قوه به عمل آمده است از نهادهای دیگر بعمل نیامده است. و با مقایسه و تطبیق برخوردها صدق و حقیقت مطلب فوق به روشنی بدست خواهد آمد و ما از هر دو در این زمینه استفاده خواهیم کرد و اتوماتیک وار مطابقه و تطبیق به عمل خواهد آمد و این عمل در دو بخش صورت خواهد گرفت. بخش

ندارد یک کلمه راجع به این بگوید من نمی گویم رأی خودش را نگوید، بگوید، رأی خودش را بگوید. اما اگر بخواهد فساد کند به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است و مفسد است یک همچو آدمی تحت تعقیب، مفسد فی الارض باید قرار بگیرد. این مجلس ما حاصل خون یک جمعیتی است که وفاداریه اسلام بودند و این مجلس عصارت زحمتهای طاقت فرسای این ملت مسلمان بوده است این مجلس فراهم آمده از الله اکبرهای مردم است».

(همان مصدر، ص ۷۷)

هر انسان منصفی اگر کمی در این عبارات صریح و قاطع حضرت امام (س) دقت نماید و به ذهنش بسپارد قضاوت خواهد کرد که در دیدگاه امام انقلاب مجلس شورای اسلامی از جایگاهی بس رفیع و بلند برخوردار است که با هیچ قوه و نهاد و ارگانی قابل مقایسه نمی باشد و روی همین دید کلی و جامع و دقیقی است که در قانون اساسی اختیارات و مسئولیتها را که در عهده مجلس گذاشته شده است آتقدر وسیع و گسترده است که بدون تردید اختیارات و مسئولیت گسترده نشان دهنده جایگاه رفیع و بلندی است که مجلس شورای اسلامی در سلسله نظام اسلامی ما دارد و اینک بطور فهرست اختیارات و وظائفی که در قانون اساسی در عهده مجلس گذاشته می شود آورده می شود.

و ملموس آنان در سرنوشت خودشان مجالس و مظاهر فراوانی دارند و مشخص ترین و قابل دفاع ترین دخالت آنان آن است که از روی میل و اراده و آزادی کامل و آگاهی کافی بطور مستقیم درباره مسائل مورد توجه و نیازشان دخالت کرده و اراده و تصمیمات خودشان را اعمال نمایند و یا اینکه افراد مورد وثوق و اعتماد و مقبول در میان خودشان را که به صداقت و امانت و تقوا برای آنان شناخته شده اند بعنوان وکیل و نماینده خودشان معرفی نموده و از طریق آنان منافع و مصالحشان را تعقیب و دنبال نمایند.

بنابراین قوی ترین و محکم ترین تجلی گاه ظهور و بروز اراده ملی و مردمی، اعزام و کلاء و نمایندگان مقبول و مورد اعتماد مردمی است که در مجلس خودش را نشان می دهد. بناء علیهذا مجلس شورای اسلامی همان مظهر اراده و اعمال حاکمیت ملی و مردمی است و در حقیقت مجلس شورای اسلامی همان ملت است منتهی بصورت مجموعه محدود و کوچک و به تعبیر حضرت امام (س) عصارت فضایل ملت است و چون مجلس مظهر اراده مردم و آرمان میلیونی انسانهایی است که حاکمیت و ولایت خودشان را خدای عالم بعهد خود آنان قرار داده است ولذا دارای اختیارات و وظائف بزرگ و مهمی است که در اصول قانون اساسی به آنها اشارت رفته است و طبق همان اصول در اینجا آورده می شود:

### الف: قانون گذاری

اصل ۵۸- اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بقا می آید برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

اصل ۷۱- مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.

اصل ۸۵- سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند ولی در موارد ضروری اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید بصورت آزمایشی اجراء می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود...

بنابراین یکی از مهمترین و حساسترین وظایف مجلس قانون گذاری در عموم مسایل داخلی و خارجی کشور در حدود قانون اساسی میباشد و غیر از مجلس هیچ مقامی حق قانون گذاری ندارد.

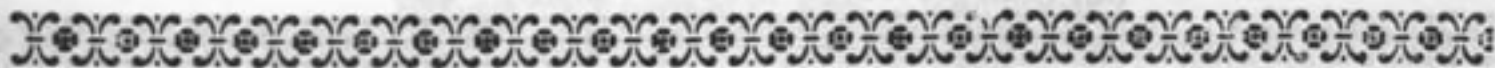
ادامه دارد

### اختیارات مجلس شورای اسلامی و وظائف آن

قانون اساسی که الهام گرفته از تعلیمات جامع الاطراف و دقیق احکام جاودانه اسلام و قرآن کریم است طبق همین تعلیمات و جهان بینی که دارد اصل حاکمیت و ولایت مطهره و غیر مشروطه را از آن ذات مقدس حضرت حق دانسته و بطور جدی و حقیقی باور دارد خدای عالم انسان را آزاد و مختار خلق فرموده و وی را بر این نواحیت اجتماعی و فردی خویش حاکم قرار داده است. و معتقد است هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد و یا گروهی خاص قرار دهد و خود ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول مربوطه بیان شده است اعمال می نماید.

بنابراین حاکمیت اصلی و ولایت بالذات از آن خدای عالم بوده و با جعل الهی از ناحیه ملت و مردم می باشد و خود آنان هستند که باید در باره سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند و دیگران حق محدود کردن و یا سلب آن را بصورت دلخواهی ندارند و این معنی در اصل ۵۶ قانون اساسی بصورت روشن و زیبا عنوان شده است.

و بر کسی پوشیده نیست اعمال حاکمیت مردم و دخالت مشخص



آیا آن که نگویند و به رود در افتاده راه رود هدایت یافته است یا آن

کس که راست و براه راست راه پیماید؟! کمال هر پدیده‌ای را می‌توان، در استعدادهای او شناسائی و ارزیابی کرد. استعدادهایی که با شکوفائی آنها کمال مطلوب برای پدیده فعلیت می‌یابد. انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست و کمال مطلوب او را باید در شکوفائی استعدادهای ویژه او جستجو کرد. و مسلم است که انسانیت انسان و کمال او در فعلیت غرائز و مشترکات بین انسان و سایر حیوانات نیست بلکه حقیقت انسانی به طور مشخص وابسته به شکوفائی فطریات و استعدادهای ویژه او است. پس اگر انسان راه انسان شدن را برگزید در مسیر واقعی و صراط مستقیم خود قرار گرفت موجودی می‌شود، همگون و هماهنگ با مجموعه جهان مجموعه‌ای که از ذره اتم گرفته تا منظومه‌های شمسی و کهکشانهاپیش همگی بدون کمترین تخطی «کل فی فلك یسبحون» (انباء- ۳۳) در محوری که خالق جهان برای آنها مقرر فرموده: «والله المصیر» (تغابن/ ۳۱) به سوی او در حرکتند. با این تفاوت که همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد پدیده‌های دیگر- عمدتاً- درباره آنها حکم نکوینی صادر شده و آنها نیز تکویناً فرمانبردارند و تسبیح گوی او ولی انسان با برخوردار از نیروی عقل و اراده و حق انتخاب- که لازمه وجود نیروهای متضاد در او است- حکم تشریحی نیز به کمک او آمده تا با بهره‌گیری از زمینه‌های تکوینی و راهنمایی وحی، خود راهی را برگزیند که آفریدگار او برایش گشوده است. راهی که مستقیم است و انسان تنها با پیروی آن می‌تواند همراه با کاروان هستی به سوی مبدأ

انسان در نگاهی سطحی و از زاویه شکل ظاهری به جاندار راست قامت «مستقیم القامه» تعریف شده است ولی با نگاهی ژرف‌تر و تأمل در همین شکل ظاهری، استعاره‌ای زیبا و عمیق را در زیانحال و سخن خلقت می‌توان دریافت و گویی قلم آفرینش انسان را با ظرافت و در بیانی مجسم پدینگونه ترسیم کرده است:

انسان موجودی است که پا بر زمین و سر به سوی آسمان دارد. پایش که «پائین» است، بر خاک است و متصل به آن و «سر» که «بالا» است و سمبل و کانون اندیشه و خرد به سوی عالم «بالا» قرار داده شده است. یعنی که پیوندش با خاک «بالفعل» است و ارتباطش با عالم بالا «بالقوه» است و در این میان دست آفرینش «دو دست باز» که سمبل کار است و نمودار «اراده» و دستاورد شخصیت او در اختیارش قرار داده است. پس اگر دستها را نیز تحت جاذبه خاک، همسوی پای به سوی «پائین» رها کرد و در طلب «دنیا» چنگ در خاک فرو برد و ادامه زندگی را نیز همچون آغاز حرکت خویش در کودکی البته نه در صورت که در معنی- چهار دست و پا بر خاک خزید: «کالاتعام» همچون چهار پایان شده و روی سر نیز به سوی آب می‌نهد و دل به خاک می‌سپارد و سرانجام در ورطه «بل هم اهلل» و در زمره «مغضوب علیهم» سقوط می‌کند ولی اگر دست از «خاک» شسته و روی از «دنیا» بر تافت و سبکبار و سبکبال «دو دست» را با سر همسو کرد و سر به فرمان عقل نهاد و دست و روی را متوجه عالم «بالا» ساخت و آهنگ دنواز و نغمه شیرین «وجهت وجهی للذی فطر السموات والأرض» سرداد، عاشقانه به سوی حق و کمال مطلق پر می‌گشاید و در صراط مستقیم، رهسپار قرب و لقاء معبود می‌شود پس: «افعلی نفسی» «هستی حرکت کند». مکتباً علی وجه اهدی امن یعنی علی صراط مستقیم» (ملک/ ۲۲).

رساله جامع علوم انسانی

ادامه دارد	مثنوی چندان شود که چل شتر	بقیه از گواهان روز قیامت
ادامه دارد	گر کشد خسته شود از بارشتر دست بر کافر گواهی میدهد	آنچه بر فرعون زد این بحر کین و آنچه با فارون نموده است این زمین و آنچه آن با پیل با آن پیل کرد و آنچه پشه کشته نمورد خورد سنگ مبارید بر اعدای لوط تا که در آب سیه خوردند غوط
۱- بحار الأنوار طبع جدید ج ۷ ص ۳۱۰ باید دانست که هیچیک از این توجیهاات با مفهوم شهادت منطبق نمی‌باشد.	لکشر حق میشود سر می‌نهد ای نموده خند حق در فعل و درین	گر بگویم از جمادات جهان عافلانہ یاری پیغمبران
۲- سوره اسراء آیه ۴۴.	در میان لشکر اوئی بسترم	
۳- سوره حم سجدہ آیه ۲۱.	آب و خاک و باد و آتش بنده‌اند	
۴- سوره حم سجدہ آیه ۱۱.	با من و تو مرده باحق زنده‌اند	
۵- تفسیر المیزان ج ۱۳ ص ۱۱۵-۱۱۸.	•••	
۶- سوره هود آیه ۴۴.	این بحث را هم اکنون اینجا پایان میدهم	
۷- سوره انبیاء آیه ۶۹	و بقیه آنرا با توفیق خداوند متعال برای مقاله	